

بررسی تطبیقی-تحلیلی گفتمان‌های رقیب در خاورمیانه: مطالعه موردی گفتمان‌های انقلاب اسلامی ایران، اخوانی سکولار ترکیه و سلفی-تکفیری عربستان سعودی*

سیدعباس حسن‌نیا مقدم** - دکتر محمدرضا قانیدی***
دکتر محمدرضا دهشیری**** - دکتر گارینه کشیشیان سیرکی*****

چکیده

گفتمان‌ها در عرصه سیاست خارجی، به عنوان یک پدیده مطالعاتی در روابط بین‌الملل، دارای جایگاه هستند. گفتمان‌ها، دال‌های شناور را از حوزه گفتمان‌گونگی هر کشور، بر حول دال مرکزی خود، مفصل‌بندی کرده و تبدیل به وقته می‌کنند. آنها با پدید آوردن غیر و رقیب، روابط خارجی کشورها را دارای هویت می‌کنند، آنگاه، گفتمان‌های غیر را شناخته و رقابت با آنها را شکل می‌دهند. در خاورمیانه امروزی، با توجه به اینکه این منطقه همواره دارای تنش بوده، سه گفتمان انقلاب اسلامی از سوی ایران، اسلام میانه‌رو از سوی ترکیه و سلفی-تکفیری از سوی عربستان، یکدیگر را به عنوان غیر شناسایی کرده‌اند و در حال رقابت با هم هستند. از آنجا که هر گفتمان تلاش می‌کند هژمون شود، گفتمان‌های مذکور نیز در این جهت، تلاش می‌کنند تا نفوذ خود را در خاورمیانه به حداکثر برسانند. با وجود چنین گفتمان‌هایی، هدف این مقاله، مقایسه آنها با یکدیگر است. بنابراین، پرسش اصلی این مقاله آن است که «در مقایسه تطبیقی گفتمان مذکور که از سوی سه قدرت منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان هدایت می‌شوند، چه موارد مشابهت و تفاوتی وجود دارد؟» برای پاسخ به این سوال، روش تحقیق مقاله، روش گفتمانی و روش

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل سیدعباس حسن‌نیا مقدم با عنوان «آینده‌پژوهی تأثیر متقابل گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان‌های رقیب و روندهای جهانی تا ۲۰۳۰» است.

** گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران / ایمیل: savd.moehaddam@email.com

*** نویسنده مسئول، استادیار عضو هیات عملی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران / ایمیل: ghaedi1352@gmail.com ghaedi@iaushiraz.ac.ir

**** دانشیار عضو هیات عملی گروه روابط بین‌الملل دانشکده وزارت امور خارجه / ایمیل: mohammadreza dehshiri@vahoo.com

***** استادیار عضو هیات عملی گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران / ایمیل: g.keshishian71@gmail.com

مقایسه‌ای است و نتیجه کلی مقاله نیز نشان می‌دهد گفتمان‌های سه‌گانه انقلاب اسلامی، اسلام‌میان‌رو و سلفی-تکفیری، همگی برآمده از دال‌های شناور اسلام هستند، اما با توجه به وضعیت فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی سه کشور ایران، ترکیه و عربستان، به اشکال گوناگونی بر گرد دال‌های مرکزی متفاوت، مفصل‌بندی شده و یکدیگر را به عنوان رقیب، طرد می‌کنند.

کلیدواژگان

خاورمیانه، گفتمان، رقابت، انقلاب اسلامی، اخوانی سکولار، سلفی-تکفیری

مقدمه

منازعه در خاورمیانه به ویژه از آغاز قرن بیست‌ویکم، شکل تازه‌ای پیدا کرده است. در واقع با این وضعیت پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، پدید آمده است که دین در حیات سیاسی جریان‌های قدرت خاورمیانه جریان پیدا کرد و توانست در ایران بر اساس یک انقلاب هژمون شود. وجود این الگو موجب شد تا دیگر جریان‌های فکری اسلام سیاسی، به این اندیشه افتند که از دین به عنوان یک گفتمان بهره برند. بنابراین، به بازپرداخت اندیشه‌های سیاسی برآمده از اسلام پرداخته و با بازخوانی دال‌های شناور اسلام، آنها را برای کاربردی شدن در قدرت سیاسی، بار دیگر بر حول دال‌های مرکزی بازخوانی شده، مفصل‌بندی گرداندند. به این ترتیب، گفتمان‌های اسلام سیاسی دیگری نیز به جز انقلاب اسلامی پدید آمد که از جمله آنها می‌توان به گفتمان سلفی-تکفیری و گفتمان اسلام‌میان‌رو یا سکولار اخوانی اشاره کرد که در طول دو دهه، نخست قرن بیست‌ویکم، به سرعت به همراه گفتمان انقلاب اسلامی به رقبای منطقه‌ای تبدیل شده و به منازعات منطقه‌ای دامن زدند. گفتمان انقلاب اسلامی، چنان که روشن شد توسط ایران، گفتمان اسلام‌میان‌رو توسط ترکیه و گفتمان سلفی-تکفیری توسط عربستان سعودی هدایت می‌شود. این گفتمان‌ها در منازعات پس از اشغال عراق توسط آمریکا در ۲۰۰۳ و پس از آن بهار عربی یا بیداری اسلامی، روند رقابتی بیشتری به خود گرفتند و چهره خاورمیانه را دگرگون ساختند. بر این مبنای، پرسش اصلی این مقاله آن است که «در مقایسه تطبیقی گفتمان مذکور که از سوی سه قدرت منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان هدایت می‌شوند، چه موارد مشابهت و تفاوتی وجود دارد؟» در فرضیه، پاسخ‌دهنده به این سوال آمده است که «گفتمان‌های سه‌گانه انقلاب اسلامی، اسلام‌میان‌رو و سلفی-تکفیری، همگی برآمده از دال‌های شناور اسلام هستند، اما با توجه به وضعیت فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی سه کشور ایران، ترکیه و عربستان، به اشکال گوناگونی بر گرد دال‌های مرکزی متفاوت، مفصل‌بندی شده و به این جهت، یکدیگر را به عنوان رقیب، طرد می‌کنند». روش تحقیق این مقاله، یکی روش تحلیل گفتمانی است که طی

آن بخش‌های مختلف یک گفتمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و دوم روش مقایسه‌ای است که با استفاده از آن، این گفتمان‌های سه گانه مذکور با یکدیگر مقایسه می‌شوند. هدف مقاله نیز آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌های این گفتمان‌ها را با پرداختن تطبیقی به آنها مشخص نماید. سازمان مقاله نیز چنین است که پس از این مقدمه، مبانی نظری، آنگاه تاریخچه و سپس آزمون فرضیه و بعد از آن، نتیجه‌گیری خواهد آمد.

۱- پیشینه

یکی از آثاری که در زمینه موضوع این مقاله می‌توان به آن اشاره کرد، مقاله مرتضی شیرودی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «مواجهه گفتمان مقاومت (شیعی) و گفتمان سلفی-اخوانی بر تربیات امنیتی سنتی غرب آسیا» است. (شیرودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴-۴۳). در این مقاله نویسنده کوشیده‌اند با ارئه تحلیلی واقع‌بینانه از ماهیت رقابت گفتمان مقاومت شیعی در تقابل با گفتمان‌های سلفی و اخوانی در حوزه راهبردی غرب آسیا مبادرت ورزند. آنها تلاش کرده‌اند تا تأثیر گفتمان مقاومت اسلامی را بر دو گفتمان‌های نامبرد دیگر بسنجند. یافته‌های آنان نیز آن است که گفتمان مقاومت شیعی در مقابل گفتمان‌های دیگر توانسته است تا کشورهای اسلامی در حوزه راهبردی غرب آسیا را در شکل، روش، شعار و هدف تحت تأثیر قرار دهد. نقطه قوت این مقاله در همین سنجش تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی است، اما در برابر نقطه ضعف آن است که آنها به اثرات گفتمان‌های رقیب بر این حوزه راهبری، اشاره‌ای نکرده‌اند.

اثر دیگر، از مهدی ناظمی و صفرعلی خالدیان (۱۳۹۷) با عنوان «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام» است (ناظمی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۸۶-۵۹). این مقاله، به درون‌مایه گفتمان انقلاب اسلامی تا حدود زیادی پرداخته است و تلاش کرده بر بیداری اسلامی را مدنظر قرار دهد. یافته‌های مقاله نیز حاکی از آن است که اعتقاد دینی، هویت ملی و ایدئولوژی اسلام سیاسی مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی مقاومت اسلامی هستند که در ایجاد، تقویت و استمرار گفتمان مقاومت در خاورمیانه و همچنین غلبه بر گفتمان‌های غربی و یا بنیادگرا نقش اساسی دارند. قوت این مقاله در بررسی زمینه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت و بیداری اسلامی است، اما ضعف آن این است که از روش‌های گفتمانی برای تحلیل گفتمان مقاومت استفاده نکرده است.

مقاله دیگر از بهزاد قاسمی (۱۳۹۷) با عنوان «ژئوپولیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی» است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۳۳-۵). این مقاله به آرمان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و گفتمان آن در خصوص مقاومت در جهان اسلام پرداخته و بیان کرده که ژئوپولیتیک محور مقاومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، امریکا و استکبار جهانی با نقش محوری و رهبری ایران تعریف شد. ماهیت گفتمانی انقلاب اسلامی تأثیرات بنیادی و عینی بر

محور مقاومت در مقابل استکبار داشته است. به این لحاظ این مقاله به گفتمان‌های درگیر با انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه نیز پرداخته است. قوت مقاله در بررسی اثر گفتمان انقلاب اسلامی است و ضعف آن نیز در پرداختن به توانایی‌ها گفتمان‌های رقیب با آن در منطقه است.

۲- مبانی نظری: تحلیل گفتمان

بر پایه تحلیل گفتمانی، «چارچوب معنایی که در آن سیاست خارجی شکل می‌گیرد، مبنایی برای منافع و هدف‌ها تلقی می‌شود. بر اساس تحلیل گفتمانی، معانی بینادهمی، از طریق زبان میسر است. بدین ترتیب، گفتمان‌ها مبنایی را به وجود می‌آورند که طی آن اولویت‌های سیاسی، منافع و هدف‌ها را می‌سازند» (قوام، ۱۳۹۳: ۲۶۳-۲۶۲).

رهیافت گفتمانی که در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی شکل گرفته است، تحلیل گفتمان نامیده می‌شود. «تحلیل گفتمان، فراتر از توصیف ساختار و کارکرد کردارها و اعمال گفتمانی می‌رود. این نوع تحلیل برای تبیین پدیده‌های زبانی و کردارهای گفتمانی به بررسی مقوله‌هایی چون مناسبات قدرت و زبان، هژمونی و قدرت، پیش فرض‌های ایدئولوژیک، فرآیندهای ایدئولوژیک و... می‌پردازد» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱). مهم‌ترین رویکرد در این میان، که تحلیل گفتمان را مد نظر دارد، توسط لاکلاو و موفه پدید آمده است. «اگر گفتمان به مثابه روش به کار گرفته شود، ابتدا باید به فرض‌های آن از جمله گسست گفتمان‌ها و رد تحولات تک‌خطی تاریخی و نفی جوهرگرایی توجه شود. در مرحله بعد گفتمان مسلط و گفتمان یا گفتمان‌های غیرمسلط، و همچنین دال مرکزی و عناصر و وقته‌های هر گفتمان شناسایی می‌شوند. ارتباط بین گفتمان‌ها با توجه به تشخیص زنجیره هم ارزش و جذب عناصر دیگر گفتمان‌ها به عنوان وقته‌ها، و مفصل‌بندی آنها با مفاهیم قبلی صورت می‌پذیرد» (حقیقت، ۱۳۹۴: ۵۳۷-۵۳۶).

۲-۱- تعریف گفتمان

لاکلاو و موفه معتقدند: «یک گفتمان، تلاشی برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی‌شان به یک معنای کاملاً تثبیت شده است» (Jorgensen and Philips, 2002: 24). در دیدگاه آنان «امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل تحلیل است و گفتمان‌ها به فهم ما از جهان شکل می‌دهند» (موفه، ۱۳۸۲: ۸۵). برای شناخت این نظریه، نیاز است تا بخش‌های مختلف آن بررسی شود. اما «آنچه تحلیل گفتمانی این دو را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۴).

۲-۲- دال‌های شناور و مدلول

در تحلیل گفتمانی، «نشانه‌ها و مفاهیم، «دال‌های شناوری» هستند که گفتمان‌های مختلف

¹ - Floating Signifiers

می‌کوشند به آنها معنا دهند. «دال شناور» دالی است که مدلول آن شناور است و گروه‌های مختلف سیاسی بر انتساب مدلول مورد نظر خود به آن با هم رقابت می‌کنند» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود» (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۲-۳- دال مرکزی

به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «دال مرکزی» گفته می‌شود. دال مرکزی به مثابه عمود برای یک خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد. بنابراین، «هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. دال مرکزی، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند. مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند. دال مرکزی، به حالتی اشاره دارد که در آن معنای نشانه به حالت انجماد درآمده است» (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۲-۴- مفصل‌بندی

مقصود از مفهوم مفصل‌بندی،^۱ «عمل گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آنها در یک هویت جدید، اشاره دارد» (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۰۲).

۲-۵- وقته، عنصر و حوزه گفتمان‌گونگی

رابطه بین دال و مدلول، «چیزی است که از آن تحت عنوان «تسلط»^۲ یاد می‌شود و انسجام یک گفتمان به ثبات رابطه دال‌ها با دال مرکزی وابسته است. دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند «وقته»^۳ می‌نامند. هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. به طور طبیعی هر گفتمان یکی از آن معانی را بر حسب هم‌خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌نماید» (Laclau and Mouffe, 1985: 111). در واقع، «یک وقته تا پیش از ورود به یک گفتمان و مفصل‌بندی شدن و تثبیت معنا در چارچوب آن، در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارد و «عنصر»^۴ نامیده می‌شود» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۸).

حوزه گفتمان‌گونگی عبارت است از محفظه‌ای از معانی بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند و از طرف دیگر، مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید مهیا

¹ - Nodal Point

² - Articulation

³ - Hegemony

⁴ - Moment

⁵ - Element

می‌کنند. از آنجا که هویت‌ها نسبی و ارتباطی‌اند، هیچ هویت ثابتی وجود ندارد، بلکه مفصل‌بندی‌های تصادفی و هژمونیک است که آنها را پدید می‌آورد. همه چیز به مفصل‌بندی‌های امکانی و تصادفی که مواد خام آن از حوزه گفتمان‌گونگی اخذ می‌شوند، بستگی دارد» (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

۲-۶- منطق تفاوت و منطق هم‌ارزی

غیریت مفهومی دیگر را نیز در پی خود می‌آورد که از آن به عنوان «منطق تفاوت» یاد می‌شود. «منطق تفاوت به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. منطق تفاوت می‌کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، «زنجیره هم‌ارزی»^۱ موجود را به هم بریزد. در اینجا است که خصومت و غیریت برجسته می‌شود. منطق یا زنجیره هم‌ارزی، منطق ساده سازی فضای سیاسی است. زنجیره هم‌ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل‌بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک‌دیگر غیر که به نظر می‌رسد آنها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند» (De-Vows, 2003: 165).

۲-۷- غیریت و ضدیت

فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم «ضدیت»^۲ و «غیریت»^۳ ناممکن است. هویت‌یابی یک گفتمان، تنها در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها مشروط به وجود غیر است. از این‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. در واقع، غیریت در گفتمان به معنای آن است که گفتمان «ما» به عنوان «خودی» و گفتمان «آنها» به معنای گفتمان «غیر» شناخته می‌شود. از منظر غیریت‌سازی، گفتمان‌ها دو کارکرد دارند که به ویژه در ارتباط با روابط میان کشورها دارای اهمیت است. یکی، «خلق رابطه غیریت‌ساز که همواره شامل تولید دشمن و یا دیگری است و برای تاسیس مرزهای سیاسی اهمیت به‌سزایی دارد. دوم، تشکیل روابط غیریت‌ساز و تثبیت مرزهای سیاسی برای تثبیت هویت تشکلی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی، با اهمیت است» (محسنی، ابوالحسنی و تقوی، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

۲-۸- رقابت

گفتمان‌ها همواره غیر را به حاشیه می‌رانند و خود را برجسته می‌نمایند. اما حاشیه‌رانی غیر هر اندازه نیز شدید باشد، نمی‌تواند رقیب را به طور کامل از رقابت حذف نماید. بنابراین همیشه

¹ - Logic of Difference

² - Chain of Equivalence

³ - Antagonism

⁴ - Otherness

امکان بازسازی و «بازگشت سرکوب شدگان» وجود دارد. لاکلاو و موفه در این زمینه از مفهوم «رقابت» بهره می‌برند. چنین رویکردی سبب می‌شود دشمن به رقیب و خصومت به رقابت تنزل یابد و هر چه ظرفیت گفتمان‌ها برای تبدیل خصومت به رقابت بیشتر باشد، موقعیت آنها بیشتر تثبیت خواهد شد. البته «گفتمان‌ها در برخی شرایط قادرند خصومت‌ها را بدون سرکوب از بین ببرند. این کار به وسیله «مداخله هژمونیک» انجام می‌شود. دخالت هژمونیک نوعی بازسازی گفتمانی و مفصل‌بندی جدید است که با تکیه بر ابزارهای قدرت و اقتناع ایدئولوژیک صورت می‌گیرد و مانع از فروپاشی هویت گفتمان می‌شود» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴).

۲-۹- ساختارشکنی

برای اینکه یک گفتمان بتواند به صورت هژمون درآید، باید دست به ساختارشکنی بزند. در واقع، «ساختارشکنی» از جمله مفاهیم این نظریه است که معنای آن ذیل مفهوم هژمونی قابل فهم می‌شود» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۹۵) هدف از ساختارشکنی، از میان بردن ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است؛ چرا که این عمل، در نهایت به از میان رفتن هژمونی آن گفتمان منجر خواهد شد. در ساختارشکنی، دال‌ها باز تعریف می‌گردند و معنایی جدید به آنها نسبت داده می‌شود.

۲-۱۰- هژمونی و قدرت

در تحلیل گفتمانی، «تثبیت رابطه بین دال و مدلول، امری است که از آن تحت عنوان «هژمونی» یاد می‌شود» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۸). در حقیقت با استفاده از هژمونی است که گروهی خاص می‌توانند اندیشه خود را به صورت غالب در آورند. با این حال، گفتمان‌ها نمی‌توانند همواره هژمون باشند. چنانچه یک گفتمان بتواند در عرصه ذهنی هژمونی پیدا کند، در عرصه عملی نیز می‌تواند هژمونی یابد و قدرت حامی آن را نیز، هژمون کند. قدرت را می‌توان اساسی‌ترین مفهوم در نظریه گفتمان دانست. در منازعات سیاسی، آن گفتمانی پیروز خواهد بود که به ابزارهای قدرت بیشتری دسترسی داشته باشد. «توان گفتمان‌ها در تثبیت معنا و هژمون شدن، وابسته به میزان قدرتی است که پشت آنها وجود دارد و از آنها حمایت می‌کند. قدرت پشت یک گفتمان به وسیله برجسته‌سازی، نشانه‌ها را به گونه‌ای خاص معنا می‌کند و با تولید اجماع، آن را در افکار عمومی هژمونیک می‌سازد» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۳- تاریخچه پیدایش گفتمان‌های اسلام سیاسی

از منظر تاریخی گفتمان اسلام سیاسی را با از پیدایش اخوان المسلمین در مصر، می‌توان آغاز آن را شناسایی کرد، به وسیله حسن‌البنای پدید آمد، که در ۱۹۲۸ سازمان اخوان المسلمین مصر را

¹ - Return of Repressed

² - Adversary

³ - Deconstruction

تاسیس کرد. البته پیش از آن، تا حدودی مسأله بازگشت به اسلام و اتحاد مسلمانان در جهان، توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی در نقاط مختلف جهان اسلام، از جمله در ایران، عثمانی و مصر (که زیر فرمان عثمانی بود) و به علت مسافرت‌های متعدد وی به این سرزمین‌ها رواج یافته بود. وی را می‌توان پیش از حسن‌البناء، نخستین کسی دانست که تلاش کرد از اسلام در قرن بیستم استفاده سیاسی کند. در واقع «رواج اسلام سیاسی در پاسخ به یکی از پرسش‌های اساسی متفکران اسلامی بود که چرا مسلمانان از غرب عقب مانده‌اند» (سیدباقری، ۱۳۸۱: ۶۵) به این ترتیب، این «گفتمان اسلامی را که هم زمان با ورود استعمار به جهان اسلام سر برآورد و می‌کوشید تا از موضعی اسلامی با دو پدیده نوسازی و استعمار روبه‌رو شود و تا نیمه دهه شصت میلادی چیرگی داشت، می‌توان گفتمان اسلامی قدیم نامید» (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۷) که اخوان المسلمین آن را هدایت می‌کرد و سپس با آثار سیدقطب، تحول یافت و به صورت تکفیری درآمد. این دو نحله، یعنی نحله اخوان المسلمین که تلاش دارد، در نظام سیاسی دین و سیاست را به هم نیامیزد و حکومت را عرفی یا سکولار باقی بگذارد، و نحله تکفیری که سپس با وهابیت ترکیب شده است، به حیات خود ادامه داده‌اند، به طوری که امروز و پس از سقوط اخوان المسلمین در قدرت، گفتمان اخوانی سکولار را حزب عدالت و توسعه در ترکیه به پیش می‌راند که در سیاست خارجی خود نوعثمانی‌گری را پیشه کرده است و عربستان سعودی نیز با ترکیب تکفیری و وهابیت، گفتمان سلفی-تکفیری را هدایت می‌کند.

در کنار این دو گفتمان، که از اسلام سنی نشأت گرفته‌اند، گفتمان انقلاب اسلامی هم حضور دارد که از اسلام شیعی سرچشمه یافته است. شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی، به دهه‌ها قبل از رویداد این انقلاب باز می‌گردد. این «انقلاب، واکنشی به یک وضعیت نابسامان تاریخی بود. انقلابی که ایرانیان را از حاشیه به متن کشاند و در پس احیای هویت واقعی ایرانیان بود. رخدادی که سبب شد، تحولات پی‌درپی درحوزه نظر و عمل در سطح منطقه و جهان رخ دهد» (پورپزشک، ۱۳۹۰: ۷۴). از جمله آنکه در ایران حکومتی اسلامی پدید آید که بر اساس اصول شیعه باشد و دوم اینکه در عرصه خارجی هم منجر به استقلال ایران از استکبار و استعمار گردد و هم در منطقه خاورمیانه و فراتر از آن، گفتمان انقلاب اسلامی بازتاب یابد و منجر به پیدایش مقاومت اسلامی در راستای ایجاد امت واحده اسلامی گردد.

البته ممکن است گفتمان‌های رقیب دیگری نیز برای این سه وجود داشته باشد که تفاسیر دیگری از اسلام ارائه دهند برای نمونه گفتمان اسلام عرفانی- فرهنگی، اما دو نکته در اینجا مطرح است، یکی اینکه در جهان حاضر این سه گفتمان هستند که گفتمان‌های رقیب اصلی به شمار می‌روند، و دوم اینکه این سه گفتمان در پی قدرت گرفتن بوده و در تلاش هستند در پیوند با قدرت، هژمون شوند و کل جهان اسلام را در بر گیرند.

۴- مقایسه تطبیقی بخش‌های گفتمان‌های رقیب سه گانه انقلاب اسلامی ایران، اخوانی سکولار ترکیه و سلفی-تکفیری عربستان سعودی
در این بخش، در ابعاد گوناگونی که پیشتر در نظریه تحلیل گفتمان به آنها اشاره شد، تلاش می‌شود تا محتوای گفتمان‌های رقیب سه گانه نامبرده، مورد مقایسه و بررسی تطبیقی قرار گیرند.

۴-۱- مقایسه محتوای سه گفتمان رقیب

۴-۱-۱- انقلاب اسلامی

از منظر محتوایی، که درون‌مایه هر گفتمان به شمار می‌رود، «گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس اسلام‌گرایی نوین در جهت حفظ هویت فرهنگی اسلامی- ایرانی شکل گرفته» (پورپزشک، ۱۳۹۰: ۷۴) و در واقع این اسلام‌گرایی نوین، خوانشی انقلابی از اندیشه سیاسی شیعه است. دال‌های شناور شیعه را که در تاریخ حیات ایرانیان از صفویه به این سو شکل گرفته است، در نوعی ایدئولوژی انقلابی مفصل‌بندی کرده است. این برداشت از اسلام، اسلام‌گرایی نوین یا همانا به اسلام سیاسی شناخت می‌شود. «اسلام سیاسی به آن دسته از جریان‌های اسلامی گفته می‌شود که اسلام را دینی، سیاسی- اجتماعی معرفی می‌کند و بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است اسلام از نظریه ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی از دیگر نظریه های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است» (علی‌پور گرجی، ۱۳۹۳: ۶۲). در حقیقت، «هدف نهایی انقلاب اسلامی نه تغییر یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر، بلکه در انداختن طرحی نو و رقم زدن عالمی جدید بر پایه دین، اخلاق، علم و عقلانیت بود. چنانچه در اصل چهارم قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد» (جهان‌بین، ۱۳۹۷: ۱) بنابراین، از آنجا که قانون‌گرایی یکی از اجزای پیشرفت تمدنی است، این برداشت قانونی از اسلام، فهم تمدنی در گفتمان انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد.

۴-۱-۲- اخوانی سکولار

اینکه اسلام‌گرایان در ترکیه به قدرت برسند و این قدرت به صورت باثبات و مداوم در دو دهه تداوم یابد، بسیاری از کارشناسان در جهان غرب، اسلام سیاسی را در میانه سنی مذهبان، به عنوان اسلام بنیادگرا می‌شناختند. اگرچه باید میان تجربه اخوان المسلمین سنتی و بخش‌های جدا شده از اخوان المسلمین که اسلام‌گرایان جدید به شمار می‌آیند، تفاوت عمده‌ای گذاشته می‌شد، اما از آنجا که اخوان المسلمین سنتی، جرم سر قدرت را به دست نگرفته بودند، بنابراین عمل اسلام‌گرایان بنیادگرا بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت و به این جهت تفاوت زیادی میان اسلام میانه و اسلام بنیادگرا گذاشته نمی‌شد. در خود ترکیه نیز از آن جا که تبلیغات احزاب کمالیست لاییک این کشور و کودتاچیان دوره‌های مختلف به شدت علیه اسلام‌گرایان، تبلیغات

انجام می‌دادند، بنابراین این فرصت در آنجا نیز وجود نداشت که میان اسلام‌گرایان بنیادگرا و اسلام‌گرایان میانه‌رو تفاوت زیادی گذاشته شود. اما پس از آنکه حزب عدالت و توسعه در ترکیه قدرت را به عنوان یک حزب اسلامی در دست گرفت و میانه روی را پیشه کرد، این تلقی به وجود آمد که الگویی از اسلام میانه رو نیز می‌تواند برای حکومت وجود داشته باشد، اسلامی که بنیادگرایی را تضعیف کند و سوی دیگر به بازی دموکراسی پایبند باشد. باید توجه کرد که در مقایسه با گفتمان انقلاب اسلامی که این دو ویژگی را داشت، در جهان سنی، چنین تجربه‌ای وجود نداشت و حزب عدالت و توسعه، اولین تجربه در این زمینه را ارائه می‌داد.

آنچه به عنوان محتوای این گفتمان حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کند ارائه دهد این است که «قرائت میانه‌رو از اسلام با توجه به ویژگی‌های خاص خود، ارزش‌های مدرن و به ویژه دموکراسی را تا حدود زیادی پذیرفته و با توجه به نفوذ و تأثیر گذاری بالای مذهب در قلب‌های مسلمانان می‌تواند به مثابه عامل همراهی کننده و تسهیل کننده در مسیر دموکراتیزاسیون باشد» (موتقی و نیری، ۱۳۸۹: ۳۷).

۴-۱-۳- سلفی-تکفیری

برای بررسی محتوای گفتمان سلفی-تکفیری، نیاز است تا نخست، اصطلاح سلفی تعریف شود. «اصطلاح سلفی به طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی اهل سنت گفته می‌شود که خواستار بازگشت به روش سلف صالح یعنی پیشوایان اهل سنت در قرن‌های اولیه اسلام هستند. معنای اصطلاحی سلف به آنچه برمی‌گردد که ابن تیمیه، در قرن هفتم هجری ایجاد کرد. ... مهمترین جنبه اجتماعی سلفی آن است که فقط پیروان خود را بر حق می‌داند و سایر مسلمانان را کافر، گمراه و مشرک محسوب می‌کند. سلفیان جدید نیز به کاربرد گسترده خشونت و اندیشه تکفیری، همچون ابن تیمیه اعتقاد راسخ دارند» (بصیری و باقری، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

در واقع در این گفتمان نقش ابن تیمیه بسیار اثرگذار بوده است که در قرن هفتم هجری در دوره حمله مغولان به جهان اسلام می‌زیسته و به مقابله با آنان بر اساس جهاد پرداخته است، وی به تکفیر کسانی در جهان اسلام پرداخته که به تفسیر اعمال سلف صالح پرداخته‌اند و آنها را بدعت‌گذار می‌داند. چهار اصل محور همه عقائد و آرای ابن تیمیه، به این قرار است: «اول، عقل با قرآن و حدیث معارض نیست. دوم، عقل موافق قرآن و حدیث است. سوم، عقلیات حکما و متکلمان که با نقل و سنت معارضی باشد، باطل است. چهارم، عقل درست و صریح و خالص با اقوال حکما و متکلمان مخالف است. به عبارت دیگر ابن تیمیه با استدلال عقلی بدون تکیه بر قرآن و حدیث مخالف است. به این ترتیب وی را باید کاملاً اخباری یا اهل حدیث دانست، با این حال تفاوت وی با اخباریان شیعه در آن است که با کاهش دادن جایگاه عقل، نص و سنت را برکشیده است و بسیاری از آنچه که شیعه، مقدس می‌شمرد، بدعت رافضی در دین می‌داند. از آن

جمله سفر برای زیارت پیامبر حرام است. هر نوع پناه و سایبان بر قبور حرام است. پس از وفات پیامبر توسل به او بدعت و شرک است. سوگند به پیامبر و قرآن و یا سوگند دادن خدا به آنها شرک است. برگزاری مراسم جشن و شادی در تولد پیامبر بدعت به‌شمار می‌رود. همین عقاید را با شدت بیشتر درباره ائمه نیز دارد. «زریاب‌خویی، ۱۳۸۷: ۱۷۱». بنابراین عقاید ابن تیمیه را باید محتوای اصلی ایجادکننده گفتمان سلفی-تکفیری دانست که هم بازگشت به سلف صالح را مورد توجه قرار داده است و هم تکفیر دیگر مسلمانانی که همچون وی نمی‌اندیشیده‌اند و وی آنها را بدعت‌گذار در اسلام می‌دانسته است، در این میان تکلیف غیرمسلمانان به عنوان کفار از نظر وی کامل روشن است و باید با آنان به عنوان ساکنان دارالکفر جهاد کرد.

اما پس از ابن تیمیه، نقش محمد بن عبدالوهاب بسیار دارای اهمیت است. چرا که «خشونت بیشتر از جانب گروه‌های وهابیت در تاریخ نهضت‌های اسلامی دوره معاصر دیده می‌شود؛ تاریخ وهابیت از اواخر قرن هجدهم میلادی به بعد سرشار از خشونت فرقه‌ای نسبت به سایر مسلمانان بوده است. تعصب وهابیون نسبت به حقیقت داشتن عقاید خود و تکفیر دیگران را میتوان در نگرش آنها نسبت به تشیع بیشتر مشاهده کرد. مدعیان اصلاح پس از سیدجمال و محمد عبده به سوی وهابی‌گری سوق پیدا کردند و در دایره تنگ اندیشه‌های محدود این مسلک گرفتار شدند. اینها این نهضت را به نوعی «سلفی‌گری» تبدیل کردند و پیروی از سنت سلف را تا حد پیروی از ابن تیمیه تنزل دادند» (بردبار، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۳).

در سوی دیگر، گفتمان تکفیری را باید در قرائت افراطی جستجو کرد که سید قطب، در دهه ۱۹۶۰ از گفتمان اخوانی در مصر ارائه داد و با فاسد دانستن جوامع اسلامی و رهبران آن که سرسپرده غرب هستند، این وضعیت را جاهلین نوین خواند و با انتقال آثار ابن تیمیه به عصر جدید و مشخص کردن مثال‌های تازه برای آن، یعنی غرب، جوامع مسلمان و رهبران این جوامع، تکفیر را پیشه ساخت و جهاد را راه مقابله با این وضعیت دانست.

۴-۲- مقایسه دال مرکزی سه گفتمان رقیب

۴-۲-۱- انقلاب اسلامی

دال مرکزی، ستون اصلی هر گفتمان است که همه دال‌های با آن مفصل‌بندی شده و تبدیل به وقته خواهند شد. این دال مرکزی، در گفتمان بر مفهوم حق بودن استوار است که دارای پذیرش عامه می‌شود. بنابراین «یک انقلاب دینی می‌بایست مفهوم حق را در سامانه تئوریک خود، حل و فصل کند. در انقلاب دینی ایران، فقیه یا فقها شایسته‌ترین افراد برای حکومت بودند،» (فراستی، ۱۳۹۷: ۱) بر این اساس در این انقلاب، آن فقیه‌ی که از همه فقهای دیگر دارای شایستگی‌ها بیشتری بود و این امر در گفتمان انقلاب اسلامی در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به صورت یک وقته ثابت درآمد، می‌توانست قدرت را در اختیار گیرد و به تعبیر گفتمانی انقلاب

اسلامی ولایت بر کل جامعه و مسائل آن پیدا کند.

ولایت فقیه که در گفتمان انقلاب سیاسی به عنوان دال مرکزی شناخته می‌شود، بر اساس نظر امام خمینی^(ره) حکومتی تشکیل می‌دهد که از منظر قدرت، «بسان قلمرو حکومت پیامبر(ص) و امامان، تام است. به طوری که ولی فقیه، در تدبیر کشور در همه امور حق دخالت و تصمیم‌گیری دارد. لذا ایشان، معتقد به ولایت مطلقه فقیه بود. مطلقه بودن فقیه به این معانی است: تقید به امور عمومی و حکومت و سیاست، تقید به مصلحت مجتمع اسلامی، عدم تقید به امور حسیه، عدم تقید به چارچوب احکام فرعیه الهیه اولیه و ثانویه، یعنی اختیارات حکومت محصور در چارچوب احکام الهی نیست. پس حکومت، بر تمامی احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج مقدم است» (شاهسوند و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹-۶۸). بر اساس همین نظر در ذیل عنوان ولایت فقیه در مقدمه قانون اساسی نیز آمده است: «بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق‌رهبی فقیه جامع‌الشرايطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد» (منصور، ۱۳۹۶: ۱۶).

بر این اساس هم باید گفت در گفتمان انقلاب اسلامی ولایت فقیه که عمود خیمه حکومت است، باید عقلاً دارای همه اختیارات و کلیت قلمرو حکومت باشد و به این ترتیب، همه اجزای گفتمانی دیگر اسلام سیاسی، بر این محور اصلی باید مفصل‌بندی شده و تبدیل به وقته گردد.

۴-۲-۲-۴- اخوانی سکولار

دال مرکزی در هر گفتمان، ستون اصلی برپا دارنده آن گفتمان به شمار می‌رود که همه دال‌های شناور موجود در فضای گفتمان‌گونگی گرد آن مفصل‌بندی شده و تبدیل به وقته می‌گردند. دال مرکزی گفتمان اخوانی سکولار که حزب اسلامی عدالت و ترکیه بر پایه آن هویت یافته است، را می‌توان «اعتدال‌گرایی اسلامی» دانست. این اعتدال‌گرایی، برآیند دو محور عمودی و افقی است و در مرکز برخورد آنها قرار دارد. در سوی محور افقی سنت و تجدید را قرار دارد، به عبارتی سنت اسلامی و مدرنیته غربی، و در دو سوی محور عمودی نیز بنیادگرایی و لائسیته، به عبارت بهتر بنیادگرایی اسلامی و لائسیته ترکی یا کمالیسم (ضدیت با اسلام‌گرایی). این گفتمان به علاوه از ملی‌گرایی ترکی نیز بهره‌زادی می‌برد، برای نمونه «در ترکیه، تحت حکومت احزاب مختلف، حتی عدالت و توسعه اسلام‌گرا، کردها از بسیاری از حقوق خود، محروم بوده و هستند» (Koolae and Hafezian, 2017: 75). آنها به عنوان غیر طرد می‌شوند.

۴-۲-۳- سلفی-تکفیری

دال مرکزی در گفتمان سلفی-تکفیری، خلافت است. به این معنا که باید فردی را که به عنوان خلیفه حال به هر طریقی از جمله «استخلاف، حل و عقد، شورا، استیلا، وراثت و... در این

جایگاه قرار می‌گیرد» (قادری، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۲)، ستون اصلی و دال مرکزی خیمه گفتمانی سلفی-تکفیری به شمار آورد. البته باید به این امر اشاره کرد که باید میان سلفی و تکفیری و ترکیب این دو در میان اهل سنت تفاوت قائل شد. در گفتمان سلفی که بر پایه وهابیت در عربستان سعودی هژمون است، یک قدرت سلطنتی در خاندان آل سعود وجود دارد که هرگز ادعای خلافت را مطرح نکرده است و از اولین پادشاه یعنی ملک عبدالعزیز تا آخرین پادشاه امروزی، ملک سلمان، از عنوان خادمین حرمین شریفین استفاده کرده و خود را چنین در جهان اسلام شناسانده‌اند. گفتمان سلفی تا حدود زیادی در گرو عقاید عبدالوهاب قرار دارد و به این جهت به آن وهابی نیز گفته می‌شود.

در گفتمان سلفی تکفیری، به هیچ معنایی انتخابات آزادی که مردم در آن شرکت کنند وجود ندارد و مجلسی که تشکیل می‌شود یک مجلس مشورتی است که به رهبر سیاسی این گفتمان، مشورت می‌دهد. چنین وضعیتی را می‌توان در عربستان سعودی با وجود یک مجلس مشورتی غیرمنتخب به خوبی مشاهده کرد. در مورد طالبان که تا حدودی می‌توان آنها را در زیر مجموعه این گفتمان به شمار آورد و یا در مورد القاعده نیز چنین وضعیتی وجود داشت و داعش نیز از همین شکل استفاده می‌کرد.

۴-۳- مقایسه دال‌های شناور، حوزه گفتمان‌گونگی، مفصل‌بندی‌ها و وقته‌های در سه گفتمان رقیب

۴-۳-۱- انقلاب اسلامی

دال‌های شناور، دال‌هایی هستند که در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارند و هر گفتمان با برگزیدن آنها، آنها را بر گرد دال مرکزی خود مفصل‌بندی کرده و با این عمل آنها را به وقته تبدیل می‌کند، تا پیش از تبدیل به وقته، آنها عنصر نامیده می‌شوند. در واقع برداشتی که هر گفتمان از این دال‌های شناور، یعنی عناصر گفتمانی می‌نماید، وقته‌ها را پدید می‌آورد. یکی از مهم‌ترین دال‌های شناور گفتمان انقلاب اسلامی، حکومت بوده است که با برداشت از آن به شکل حکومت اسلامی، مفصل‌بندی شده و وقته حکومت اسلامی را پدید آورده که به دال مرکزی این گفتمان یعنی ولایت فقیه، مفصل‌بندی شده است. در شعارهای انقلابی، برای نظام آینده «مردم جمهوری را درخواست می‌کردند که براساس اسلام باشد، یعنی حاکمیت مردم را بدون حاکمیت اسلام قبول نداشتند؛ زیرا آنها خواستار سیاستی بودند که علاوه بر اینکه اداره جامعه یکی از ارکان اساسی آن محسوب شود، هدایت مردم به سوی تعالی هم در آن حاصل گردد» (جهان‌بزرگی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵). در واقع باید به این نکته نیز در اینجا اشاره کرد که در گفتمان، بر خلاف ایدئولوژی که فقط به عرصه نظری تعلق دارد، به دو عرصه ذهنی و عینی توجه می‌شود و بر این مبنا است که عینیت خواست مردم در گفتمان انقلاب اسلامی نیز دارای اهمیت

است، بر این مبنا است که دال شناور «استقلال و آزادی» هم در گفتمان انقلاب اسلامی، به وقته حاکمیت مفصل‌بندی شده است.

«قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) (قرآن کریم، سوره انبیا، آیه ۹۲) و استمرار به مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (منصور، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۴). به این ترتیب، وقته صدور انقلاب که می‌خواهد به جنبش‌های اسلامی در راستای ایجاد امت واحد اسلامی یاری رساند، خود را با مفهوم مقاومت مفصل‌بندی کرده و به شکل وقته مقاومت اسلامی یا محور مقاومت، در گفتمان انقلاب اسلامی، تثبیت می‌شود که ابزار اصلی هژمون شدن گفتمان انقلاب اسلامی در خاورمیانه است.

از آنجا که گفتمان انقلاب اسلامی با تثبیت خود در مرزهای ایران، نظام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نظام سیاسی دارای حاکمیت تام، پدید آورده است. یک مفصل‌بندی مهم دیگر، رابطه میان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. «نسبت گفتمان انقلاب با جمهوری اسلامی، نسبت اعم و اخص می‌باشد به این معنا که الزاماً آن‌چه در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد عین همان چیزی که در اسلام اتفاق می‌افتد نیست، اما بسیاری از مسائلی که در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد بازتابی از این گفتمان است. یعنی انقلاب، اعم از جمهوری اسلامی است» (فراستی، ۱۳۹۷: ۱). به این واسطه، مسأله مفصل‌بندی دیگری که پدید می‌آید، رابطه این نظام حکومتی و مشروعیت آن است، چرا که بدون مشروعیت، دیگر نهادهای زیرمجموعه حکومت، درون گفتمان انقلاب اسلامی قرار نخواهند گرفت.

مفصل‌بندی دیگر، میان مشروعیت و دال مرکزی صورت گرفته است. «گفتمان انقلاب اسلامی در ایران بعد از این که تأکید کرد که رژیم پهلوی از بنیان نامشروع است، نظریه‌ای در باب مشروعیت دولت ارائه داد که آن نظریه ولایت فقیه بود، یعنی تئوری ولایت فقیه مبتنی بر این فرض بود که دولتی شکل خواهد گرفت که فقط تحت نظارت ولی فقیه می‌تواند مشروع باشد» (فراستی، ۱۳۹۷: ۱). بنابراین، نظام جمهوری اسلامی در اثر حضور دال مرکزی ولایت فقیه است که تسلط بر ملت ایران یافته است. در مفصل‌بندی مشروعیت و حکومت، «استدلالات عقلی امام خمینی (ره) جهت اثبات مشروعیت نظام سیاسی برآمده از اندیشه سیاسی ولایت فقیه به این شرح است: جامع بودن اسلام، بایستگی حکومت در احکام اسلامی برای اجرای آنها، تاسیس اصل، حکومت در عصر غیبت که از آن فقهاست، محال بودن رهاسازی امت مسلمان توسط خداوند، سنت و رویه رسول (ص) و امیرمومنان (ع) که تشکیل حکومت داده‌اند. ... پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان

حیات امام خمینی نظریه سیاسی ولایت فقیه ایشان تکمیل شده و با ورود عنصر سیاسی مصلحت در آن، زمینه برای چند تغییر فراهم می‌آید: یکی اینکه ایشان در زمان پیروزی انقلاب و در تاسیس حکومت اسلامی روی به شکل نظام جمهوری آورده و از این جهت مشروعیت نظام سیاسی را حتی با وجود اینکه اثبات می‌کنند در عصر غیبت، حکومت از آن فقهاست، به واسطه حضور مردم دانسته و در این امر به علی^(ع) رجوع می‌کند که حضور حاضران را در پذیرش حکومت، دخیل می‌داند. از این‌رو، ولایت فقیه ایشان با مشروعیت مردمی و در نظر گرفتن حق الناس پیوند می‌خورد. دیگر آنکه ایشان با توجه به شرایط سختی که برای حیات جمهوری اسلامی پدید می‌آید، به در نظر گرفتن عنصر مصلحت نیز گرایش یافته و از این‌رو معطل کردن احکام ثانویه اسلام را در صورت ضرورت و مصلحت با حکم ولی فقیه جایز می‌داند^(۷۲) (شاهسوند و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۲). مفصل‌بندی مصلحت در گفتمان انقلاب اسلامی در چارچوب اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸، هم مصلحت را تبدیل به یک وقته می‌کند، هم پویایی این گفتمان و نظام اسلامی شیعی را نشان می‌دهد، به ویژه در برابر گفتمان‌های رقیب، به خصوص سلفی- تکفیری که به علت اخباری بودن ایستا است.

۴-۳-۲- اخوانی سکولار

گفتمان اخوانی سکولار نخست در مصر و توسط اخوان المسلمین که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن‌البنّا تأسیس شد، به وجود آمد. اخوان المسلمین سنتی، تلاش داشتند در مصر حکومت اسلامی برپا کنند و در کنار آن از مزایای مدرنیته نیز بهره ببرند. اگرچه سپس اخوان المسلمین، به وسیله سیدقطب دچار انشعاب شد و جوانان تندروی مسلمان مصری و نیز جهان اسلام که به آنها پیوسته بودند، تکفیری شدند، اما اخوان سنتی به مشی میانه‌روی اسلامی و محافظه‌کار خود ادامه داد، و حتی در مواردی مثل جریان عرب-افغان‌ها با غرب هم همکاری کرد. در مصر این گروه تا سال ۲۰۱۱ که یکسال در قدرت قرار گرفتند و سپس به وسیله کودتا سرنگون شدند، حکومت را در اختیار نداشتند. اما طرز تفکر اخوان المسلمین سنتی در کشورهای دیگر اسلامی رشد یافته بود و احزاب اسلامی بر پایه گفتمان آنها با تطبیق شرایط با کشورهای خود به وجود آمده بودند.

یکی از نمونه‌های مورد فوق، حزب عدالت و توسعه در ترکیه است که از سال ۲۰۰۲ در این کشور قدرت را در اختیار دارد. «جریان اسلامی حاکم بر ترکیه همگنی نزدیکی با این گفتمان دارد، اسلام‌گرایان دمکرات حزب عدالت و توسعه که دولت این کشور را اختیار دارند، معرف گفتمان اسلامی سکولار هستند. مدل اسلام‌گرایی اخوانی- سکولار ترکیه با تأکید بر پنج اصل جدایی دین از سیاست و یا رابط‌های حداقلی میان اسلام و سیاست، پذیرش الزامات نظام لیبرال-دموکراسی، عدم برخورد انقلابی با ظلم و بی‌عدالتی در جهان، حرکت در مسیر اقتصاد بازار آزاد، نگاه ملی‌گرایانه ترکی مورد استقبال غرب و به ویژه آمریکا قرار گرفته است، تا بلکه از اثرگذاری اسلام سیاسی مدنظر ایران که بر چهار اصل وحدت جهان اسلام در برابر آمریکا و اسرائیل، عدم

جدایی دین از سیاست، عدم پذیرش الزامات نظام لیبرال‌دموکراسی و در نهایت دفاع از مظلومین در برابر ظلم مبتنی است، بکاهد» (بردبار، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۵). بنابراین، می‌توان دال‌های شناوری که در گفتمان اسلامی سکولار-اخوانی ترکیه، از طریق مفصل‌بندی به‌وقته مبدل گردیده است را رابطه حداقلی میان اسلام و سیاست، پذیرش الزامات نظام لیبرال‌دموکراسی، عدم برخورد انقلابی با ظلم و بی‌عدالتی در جهان، حرکت در مسیر اقتصاد بازار آزاد، و نگاه ملی‌گرایانه ترکی دانست برخلاف دیگر گفتمان‌های اسلام سیاسی، در گفتمان اخوانی سکولار که در ترکیه حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان آن را به پیش می‌برد، مشروعیت و مقبولیت دو دال شناوری هستند که با یکدیگر مفصل‌بندی شده‌اند و این به معنای آن است که انتخابات آزاد، یکی دیگر از دال‌های شناور ای است که در این گفتمان مفصل‌بندی شده و تبدیل به وقت گردیده است. در گفتمان‌های اسلام سیاسی دیگر، مشروعیت و مقبولیت دو دال شناوری هستند که به صورت جداگانه با دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند و در واقع وقته‌های جدا از هم را تشکیل می‌دهند.

از نظر محتوایی در این گفتمان، تلاش بسیاری شده است تا میان اسلام میانه‌رو و مدرنیته، به عبارتی ارزش‌های غربی، تلفیق به وجود آید و دال‌های شناور این دو به گونه به کار گرفته شوند که کمالیت‌های ترکیه و غربی‌ها، این گفتمان حکومتی را بپذیرند و آن مخالف ارزش‌ها و آزادی‌های عام حقوق بشری نشناسند. یکی از نمونه‌های مفصل‌بندی این گونه وقته‌ها در گفتمان اخوانی سکولار حزب عدالت و توسعه، در صنعت گردشگری این کشور قابل مشاهده است. صنعت گردشگری در توسعه اقتصادی ترکیه جایگاه ویژه‌ای دارد که به یمن پذیرش الگوهای غربی فرهنگی در زندگی مردم ترکیه به وجود آمده است، هر چند اسلامگرایان ترک، بر ارزش‌های اسلامی پافشاری می‌کنند، اما این ارزش‌ها، حتی توسط حزب حاکم عدالت و توسعه، که بر پایه ارزش‌های اسلامی به وجود آمده است، جلوی آزادی‌های اجتماعی و به ویژه آزادی‌های گردشگران خارجی را نگرفته است.

۴-۳-۳- سلفی-تکفیری

بنیادگرایان اسلامی یا سلفی‌ها معمولاً محافظه‌کارترین و سرسخت‌ترین مسلمانان سیاسی هستند. گفتمان آنان که گفتمان سلفی-تکفیری است، خواهان بازگشت مجدد به «بنیاد»های دین می‌باشد که در اسلام شامل کتاب و سنت است. «تنها عنصری که می‌تواند این نوع از سلفی‌گری را به خشونت پیوند بزند، و در عمل نیز چنین کرده، غیرمنعطف و آشتی‌ناپذیر بودن قرائت تکفیری آنها از دین با دیگر ایدئولوژی‌های غیر اسلامی و نیز قرائت‌های دیگر از اسلام است» (آریا، ۱۳۸۹: ۶۳). در واقع، «قرائت‌های افراطی و خوارجی از اسلام، گسترش فقر اقتصادی و حاکمیت استعمار در دنیای اسلام سبب گردیده است تا جهان شاهد گسترش اندیشه‌های سلفی-تکفیری باشد. ریشه‌های فکری و بنیادهای نظری القاعده، به عنوان گروه معروف سلفی-

تکفیری قبل از داعش، به ابن تیمیه و سید قطب می‌رسد. این مسأله هم به لحاظ شباهت‌های زمانی و موقعیتی عصر ابن تیمیه (سیطره مغولان بر جهان اسلام و نابودی خلافت) و هم به لحاظ وجود شباهت بسیار تنگاتنگ نشانگان زبانی در گفتمان ابن تیمیه و بنیادگرایی اسلامی، به خصوص القاعده، تا حدی زیادی روشن به نظر می‌رسد. سید قطب نیز با اثر جاهلیت قرن بیستم، بار دیگر بر وجود چنین فضایی تأکید می‌کند، چرا که غرب موجب از میان رفتن خلافت عثمانی شده است، گفتمان القاعده که نماد بارز این قرائت است بر چهار رکن سلفی‌گری، افراطی‌گری، شیعه‌ستیزی و غرب‌ستیزی استوار است» (بردبار، ۱۳۹۵: ۱۴).

این چهار مورد را می‌توان دال‌های شناوری دانست که در گفتمان سلفی مفصل‌بندی شده و مبدل به وقته گشته است. گفتمان دیگری که این شیوه از تفکر و عمل اسلامی را نمایندگی می‌کند، گفتمان سلفی-تکفیری داعش است. اما تفاوت دال‌های شناور داعش با القاعده این است که ایدئولوژی سلفی-تکفیری آن با توانایی بعثیسم باقیمانده از دوره صدام تلفیق شده بود و به این ترتیب، سازماندهی مدرنی را برای داعش رقم زده بود که موجب پیشروی سریع آن می‌شد، در برابر القاعده از این سازماندهی مدرن برخوردار نبود.

۴-۴- مقایسه غیریت و رقابت در سه گفتمان رقیب

۴-۴-۱- انقلاب اسلامی

آنچه می‌توان درباره غیریت و رقابت در گفتمان انقلاب اسلامی به وضوح درک کرد، این است که «گفتمان انقلاب اسلامی، در کلیت با گفتمان‌های رقیب خود، مانند سوسیالیسم و کمونیسم، سرمایه‌داری تفاوت دارد. برای نمونه در سال‌های منتج به وقوع انقلاب اسلامی، مارکسیست‌ها معتقد بودند که اسلام فاقد ایدئولوژی برای یک انقلاب است و تنها تفکری که می‌تواند انقلاب ایجاد کند، ایدئولوژی مارکسیست یا ایدئولوژی چپ است... و در مقابل انقلابیون به این نتیجه رسیدند که دین می‌تواند قادر به تولید یک انقلاب باشد» (فراستی، ۱۳۹۷: ۱)، به این مضمون که دال‌های شناور اسلام شیعی که در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارند، چنان می‌توانند بر گرد دال مرکزی انقلاب اسلامی، یعنی ولایت فقیه، مفصل‌بندی شوند که در برابر گفتمان‌های رقیب، به پیدایش گفتمان انقلاب اسلامی، منجر گردند. تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، در اثر اتحاد میان گروه‌های سیاسی مختلف برای سقوط رژیم شاه، رقابت درون‌گفتمانی برای اسلام سیاسی، چندان روشن نبود و مرزبندی‌های آن به میزان پس از انقلاب، متصلب نشده بود، اما «پس از انقلاب اسلامی ایران سه گفتمان اسلام سیاسی روشنفکر لیبرال، چپ و فقه‌پسندی در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. گفتمان اسلام سیاسی فقه‌پسندی مبتنی بر اندیشه امام خمینی و بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به عنوان مفسر اصلی شریعت به عنوان مفسر اصلی گفتمان انقلاب اسلامی درآمد که عزیمت آن در همه شاخص‌ها، آموزه‌های فقهی بود» (علی‌پورگرگی، ۱۳۹۳: ۶۱). بنابراین دو

خرده‌گفتمان اسلامی لیبرال و چپ، به عنوان گفتمان‌های رقیب داخلی انقلاب اسلامی، از صحنه خارج شدند و گفتمان انقلاب اسلامی هژمون شد.

اگرچه این دو نوع خرده‌گفتمان هنوز هم وجود دارند و غیریت آن هستند. در هر حال، غیریت‌ها برای گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان به چند حوزه گفتمان‌گونگی تقسیم کرد که غرب، اسلام غیرشیعی و ملی‌گرایی در حال حاضر مهم‌ترین آنها هستند و پیش از دوره حاضر، زمانی که شوروی کمونیسم را رهبری می‌کرد، جریان‌های کمونیستی نیز غیریت مهمی برای گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. این حوزه‌های گفتمان‌گونگی در دو سطح تاحدودی به هم پیوسته داخلی و خارجی برای گفتمان انقلاب اسلامی قابل شناسایی هستند و به عنوان گفتمان‌های رقیب گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌روند. البته باید خوانش‌های دیگر از اسلام شیعی را نیز به این غیریت‌ها اضافه کرد و آن در حوزه «در گفتمانی» قرار داد. «در بین نیروهای مذهبی اعم از سنتی‌ها، روشنفکران دینی و روحانیان نواندیش یا سکولارهای مسلمان، قرائتی از اسلام وجود داشت که با یکدیگر دارای تفاوت‌های جدی بودند، همه این‌ها در خلق انقلاب مشارکت کردند اما تنها یک قرائت جنبه رسمی پیدا می‌کند و تبدیل به قرائت رسمی از انقلاب مطرح می‌شود» (فراستی، ۱۳۹۷: ۱) که گفتمان انقلاب اسلامی با دال مرکزی ولایت فقیه را متصل و هژمون می‌سازد.

یکی از غیره‌های اصلی انقلاب اسلامی، غرب است. «انقلاب اسلامی در عین اعتقاد به مدرنیته به معنای توسعه و پیشرفت، به دنبال احیای سنت‌های اصیل اسلامی است. از همین رو، انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده متحول‌کننده، مناقشات بسیاری را در بین نظریات جدید و قدیم انقلاب در غرب ایجاد کرد و نقش دین را در تحول اجتماعی مورد توجه دوباره قرار داد» (پوریزشک، ۱۳۹۰: ۷۴). در برداشت گفتمان انقلاب اسلامی از دال شناور اسلام سیاسی، این «اسلام سیاسی در پی ایجاد نوعی جامعه‌مدرن است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت تمدن غرب از آسیب‌های آن به دور باشد. اسلام سیاسی بر خلاف بنیادگرایان و سنت‌گرایان، مدرنیته را به طور کامل نفی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد تا اسلام را با جامعه مدرن سازگار نشان دهد» (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۵).

۴-۴-۲- اخوانی سکولار

گفتمان اخوانی سکولار که در ترکیه حزب عدالت و توسعه آن را به پیش می‌راند، دارای چند رقیب گفتمانی است، که این رقابت هم «در گفتمانی» است و هم «از گفتمانی». رقابت «در گفتمانی»، به رقابتی گفته می‌شود که درون همان گفتمان میان جناح‌ها و گروه‌ها به وجود می‌آید. رقابت «از گفتمانی» به شکلی غیریت‌ساز است، چرا که وابسته به قدرت، می‌خواهد هژمونی یک گفتمان را از میان ببرد و گفتمان رقیب را هژمون کند. نخستین رقیب «در گفتمانی» حزب عدالت

و توسعه، خود گفتمان گروه اخوان المسلمین در مصر است، اخوان المسلمین مصر که جریان اصلی اخوان المسلمین در جهان اسلام هستند، اگرچه به جز دوره کوتاه یک ساله از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ حکومت را در اختیار نداشتند، اما از نظر فکری، رهبری این گفتمان را در اختیار دارند و اثر اصلی بر جهان اسلام را با این رهبری فکری می‌توانند بگذارند.

با این حال، این اخوان المسلمین چنان در مصر با مشکل روبه‌رو هستند که در حال حاضر توان رقابت با گفتمان اقبالی سکولار در ترکیه را ندارند و یا نمی‌خواهند با توجه به این که چنین گفتمانی در یک کشور در قدرت قرار گرفته و حجیم شده است با آن رقابت کنند. رقابت «در گفتمانی» دیگر برای گفتمان اخوانی سکولار که دال مرکزی آن اعتدال‌گرایی اسلامی است، در ترکیه از سوی طرفداران فتح‌الله گولن امکان وجود دارد. «اردوغان برای دوره‌ای طولانی با فتح‌الله گولن در ارتباط بود و او را به عنوان متحد و رهبر فکری گفتمان اخوانی سکولار ترکیه معرفی کرده بود، اما به دلیل خواست بیشتر تمرکز قدرتی که اردوغان دارد و این امر نشأت گرفته از خاصیت قدرت در هر گفتمانی می‌تواند باشد که برخی ویژگی‌های غیردموکراتیک هم دارد، موجب شده میان اردوغان و گولن شکاف به وجود آید، دامنه این شکاف البته به حزب عدالت و توسعه نیز گسترش یافته است، به طوری که اردوغان، چهره‌هایی همچون گل، داووداغلو، باباجان و... را کنار گذاشته است و این احتمال قوت گرفته است که آنها با پیوستن به گولن، حزب تازه‌ای به وجود آوردند» (Gumrukcu, 2020: 1). اما از منظر «از گفتمانی»، در ترکیه رقبایی برای گفتمان اخوانی سکولار حزب عدالت و توسعه وجود دارد که در حقیقت غیریت‌های آن به شمار می‌آیند. این گفتمان‌ها، سابقه‌ای طولانی تر به لحاظ تاریخی از گفتمان اخوانی سکولار در ترکیه دارد. مهمترین گفتمان‌ها، گفتمان ملی‌گرایی ترک یا همان کمالیسم است که به اسلام توجهی ندارد، لائیک می‌باشد و جهان اسلام برای آن از اعتبار زیادی جهت معنابخشی به آن برخوردار نیست و تنها به عنوان یک دال شناور به شمار می‌رود که در این گفتمان تبدیل به وقته نمی‌شود و دال مرکزی آن ملی‌گرایی افراطی است، حتی گروه‌های سکولار غیراسلامی در ترکیه نیز در این گفتمان جای می‌گیرند. گفتمان رقیب دیگر در ترکیه که البته از قدرت بسیار کمتری برخوردار است، گفتمان سوسیالیسم است که احزاب چپ ترکیه به آن باور دارند، «چنانکه ارتش ترکیه در سال ۱۹۸۰ به علت افزایش اختلافات میان ملی‌گرایان افراطی و چپ‌های افراطی که در سیاست کشور تنش ایجاد کرده بودند، دست به کودتا زد» (ولی‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۲). از منظر بیرونی و در جهان اسلام، گفتمان انقلاب اسلامی یا همان اسلام انقلابی که توسط ایران در منطقه نفوذ پیدا کرده است و محور مقاومت را شکل داده، و همچنین گفتمان سلفی-تکفیری که عربستان از آن حمایت می‌کند و تلاش دارد برای آن نفوذ منطقه‌ای پدید آورد، از گفتمان‌های غیر و رقیب، گفتمان اخوانی سکولار ترکیه هستند.

۴-۴-۳- سلفی-تکفیری

در گفتمان سلفی-تکفیری، یکی از غیرها مسلمانانی هستند که مذهبی به جز مذهب سلفی

دارند و رقابت با آنها بر قرار است. این غیرها دیگر مسلمانان سنی و انواع شیعیان هستند که تا حدودی به تاریخ سلفی نیز ارتباط دارند.

در حقیقت چهارصد سال بعد از ابن تیمیه در اواسط قرن دوازدهم هجری شخص دیگری به نام «محمد بن عبدالوهاب» ساکن نجد حجاز مسائل ابن تیمیه و نظرات وی را پیگیری کرد. «محمد بن عبدالوهاب چون از علم وافر ابن تیمیه بهره‌مند نبود، راه عمل و اقدام را برگزید و رساله‌های کوچک و قاطع پر از آیه و حدیث بدون اصطلاحات علمی برای تعلیم عوام به نگارش درآورد و به شمشیر متوسل شد و راه تندی و خشونت را پیش گرفت. وی تابعین برنامه‌اش را مسلمین و موحدین و مخالفینش را کفار و مشرکین نامید. محمد بن عبدالوهاب سرانجام به کمک و با امارت رئیس قبیله‌ای به نام «محمد بن سعود» دولت کوچکی را در شهر «درعیه» از شهرهای نجد بنا کرد و احکام شرعی را برابر نظریات خود که از حنبلی‌ها و اهل حدیث آموخته بود، به اجرا گذاشت. برخلاف ابن تیمیه که به وحدت جهان اسلام بر گرد اندیشه‌های سلف می‌اندیشید که مسلک ناب اهل سنتش می‌دانست، محمد ابن عبدالوهاب بیشتر به پیروزی گروه تحت فرمان خود می‌اندیشید. بعد از ابن عبدالوهاب تا مدتی نزدیک به ۲۶ سال اساس دستگاهی که او به همیاری محمد بن سعود و عبدالعزیز پسرش پایه‌ریزی کرده بود، پابرجا بود و نام وهابی از سوی خلیفه عثمانی و پادشاهی شیعه ایران بر آنها گذارده شد، و محمدعلی پاشا، به فرماندهی از سوی خلیفه عثمانی آنها را در ۱۲۳۲ از میان برد. به این جهت، تکفیر عثمانی و شیعیان (که بیشتر نیز در مورد شیعیان به شدت وجود داشت)، در این مذهب قوت بیشتری گرفت. اما دوباره پس از مدتی وهابی‌ها باز امارتی مجدد را در ریاض تاسیس کردند که آن هم در سال ۱۲۵۰ با کشته شدن «ترکی بن عبدالله» دچار ضعف و فروپاشی شد. مقارن جنگ جهانی اول بار دیگر خاندان سعود طی کشمکش‌های سیاسی و قبیله‌ای بعد از یک دوره طولانی غیبت بیش از صد ساله دوباره بر اریکه قدرت حجاز تکیه زدند (۱۹۲۱) و این بار تمام شبه جزیره را به تصرف خود درآوردند و شهرهای مقدس مکه و مدینه را هم به تصرف خود درآوردند که مقارن با از میان رفتن امپراتوری عثمانی بود. به این ترتیب بار دیگر نهضت سلفی رونق تازه‌ای گرفت» (لوهلکر، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳).

اولین سلطان سعودی (ملک عبدالعزیز) علی‌رغم تندروی‌ها و قشری‌گری‌های سلفی‌های احساساتی در قبال توازن نیروهای سیاسی در سطح عالم اسلام مشی مصلحت‌گرایانه‌ای در پیش گرفت. سلفی‌گری در نجد موجی از تندروی و سخت‌گیری به راه انداخت و گاهی برای ساکت کردن مخالفان، شیعه را تکفیر کرده و اشاعره و صوفیه و مذاهب دیگر را اهل بدعت خواندند و مدعی شدند که اسلام در اختیار سلف بوده و فهم آنان از کتاب و سنت برای همگان حجت است.

در گفتمان سلفی - تکفیری، یکی از مهم‌ترین غیریت‌های دیگر غرب است و هر نوع گفتمان

برآمده از غرب، با عنوان رقیب شناخته می‌شود. البته باید توجه کرد که باید میان مصلحت‌گرایی رهبران عربستان سعودی و اندیشه‌های سلفی تا حدود زیادی تفاوت قائل شد. «رهبران عربستان سعودی تا حدود زیادی به دلیل اینکه حکومت خود را مدیون غرب، سرهنگ لورنس انگلیسی که از سوی دولت انگلستان به آنها یاری کرد تا در جنگ جهانی اول در برابر نیروهای عثمانی برای به دست آوردن استقلال خود ایستادگی کنند، هستند و همچنین مدیون شرکت آرامکو آمریکایی-عربستانی که برای آنها درآمد سرشار نفتی را به وجود آورده بود، هستند، روابط مستحکمی با غرب، به ویژه آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین انگلیس شد دارند. بنابراین با وجود این غیریت دانستن غرب در گفتمان سلفی- تکفیری، این رهبران با غرب روابط دارند» (علی‌یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

در برابر، رهبران سلفی- تکفیری هم در عربستان و هم در کل جهان اسلام، به ویژه پس از سیدقطب، غرب را بزرگ‌ترین غیریت گفتمان سلفی- تکفیری دانسته و برای مبارزه با آن دست زدن به هر خشونت‌هایی را مجاز می‌دانند. در حقیقت، گفتمان سلفی- تکفیری، رقابت و مقابله با گفتمان‌های برآمده از غیر غرب را، در چارچوب جنگ‌های صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان می‌بیند و حتی رهبرانی را که با غرب در ارتباط هستند را در زمره خیانتکاران به مسلمانان می‌داند. از جمله گروه جهاد اسلامی که انور السادات را به علت امضای موافقتنامه صلح مصر با اسرائیل و آمریکا، ترور کرد، یا القاعده که حملات ۱۱ سپتامبر را به آمریکا انجام داد و در عراق به کشتن نیروهای آمریکایی پرداخت، امری که طالبان نیز در افغانستان به آن پرداختند و یا داعش که مجموعه حملات زیادی را به کشورهای غربی، به ویژه در اروپا به انجام رساند.

در این میان باید توجه داشت که عربستان سعودی با کمک به گفتمان سلفی- تکفیری برای هدایت آن می‌کوشد، اما مسأله مهم این است که با وجود سرسپردگی رهبران عربستان به غرب، و در واقع خیانتکار دانسته شدن توسط گفتمان سلفی- تکفیری، چرا عربستان به چنین اقدامی می‌پردازد. «در واقع عربستان سعودی از گفتمان سلفی- تکفیری به شکل یک شمشیر دولبه استفاده می‌کند. رهبران سعودی با گسترش سلفی- وهابی از یک سو تلاش می‌کنند تا شکل مصلحت‌گرایانه سلفی‌ها را که به وهابیت نگاه مصلحت‌جویانه دارند را تقویت کنند و از پیوستن بیشتر سلفی‌ها به تکفیری‌ها جلوگیری کند و از سوی دیگر تلاش می‌کند با حمایت آن بخش تندور سلفی‌ها که سلفی- تکفیری هستند و بیش از عبدالوهاب به ابن تیمیه گرایش دارند، این نوع گروه‌ها را به بحران‌هایی خارج از مرزهای عربستان معطوف دارند. این امر را می‌توان از سرنوشت بن‌لادن، رهبر القاعده که تبعه اخراجی سعودی و مخالف دولت آل سعود بود، به خوبی دریافت. «بن‌لادن یکی از بزرگ‌ترین دشمنان دولت سعودی بود که توجه وی و گروه وی، القاعده، به بحران افغانستان در جریان عرب-افغان‌های جهادی مبارز با شوروی معطوف شد» (علی‌یاری، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

۴-۵- مقایسه هژمونی در سه گفتمان رقیب

۴-۵-۱- انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی «امروزه به یک گفتمان مسلط تبدیل شده است، یک قرائت خاص را از اسلام در جامعه کنونی ایران مسلط کرده و آن‌قدر توانمند بوده که توانسته سایر قرائت‌ها از اسلام را به حاشیه برد. این گفتمان، نقطه مرکزی و به‌نام اسلام شیعی دارد که تمامی داده‌های پیرامونی سعی می‌کنند تا هویت خود را بر اساس این دال مرکزی بیابند» (فراستی، ۱۳۹۷: ۱). البته اعتقاد اصلی بر این است که دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی ولایت فقیه است، چرا که رابطه میان حکومت در این انقلاب و قدرت سیاسی را ولایت فقیه، مفصل‌بندی کرده و به یک وقته مسلط تبدیل می‌کند که امروز به صورت هژمونی در ایران در آمده است و تلاش می‌کند این وضعیت را در منطقه نیز بر اساس جنبش‌های مقاومت اسلامی، بسط دهد.

۴-۵-۲- سکولار

هر گفتمانی تمایل به این دارد که در بستر اجتماعی خود تبدیل به هژمون شود. هژمون شدن یک گفتمان وابسته به میزان قدرتی است که از آن حمایت می‌کند و می‌تواند این گفتمان را در جایگاه قدرت سیاسی قرار دهد. در واقع هیچ گفتمانی وجود ندارد که قدرت اجتماعی از آن حمایت نکند، اما مسأله اصلی در این است که هر گفتمان به چه میزان از این حمایت برخوردار است و می‌تواند قدرت پیدا کند.

در ترکیه نیز باید هژمون شدن گفتمان اخوانی سکولار را با توجه به همین مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار داد. «از زمانی که نجم‌الدین اربکان، حزب اسلامی رفاه را در ترکیه ایجاد کرد و در انتخابات سال ۱۹۹۶ این کشور توانست با به دست آوردن کرسی‌های زیادی در پارلمان قدرت را به دست گیرد و یک سال بعد با تهدید به کودتا توسط ارتش، دولت وی سقوط کرد، روشن شد که گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه در حال قدرت گرفتن و گسترش است. اما اربکان، این گفتمان اسلام‌گرایی را با عناصری تندروانه ترکیب کرده بود که ضدسیاست‌های غرب‌گرایانه ارتش کمالیست بود. با استفاده از تجربه شکست حزب رفاه، اردوغان حزب عدالت و توسعه را به وجود آورد که گفتمان اسلام‌گرای میانه‌روی یا اعتدال‌گرای اسلامی را شروع به گسترش دادن نمود» (ولی‌زاده‌میدانی، ۱۳۹۶: ۵۱). این گفتمان که نسخه بومی شده ترکیه گفتمان اخوان المسلمین مصر است، دال‌های سکولاریسم را در خود جای داد و تلاش کرد تا با توجه به برخی خواسته‌های ملی‌گرایان ترک (کمالیست‌ها)، مبنی بر ایجاد عظمت برای ترکیه، نگاه به غرب و سیاست پیوستن به اتحادیه اروپا و همکاری با ناتو، دخالت ندادن دین در سیاست و...، میانه‌رو پیشه کرده و به عنوان تهدید برای کمالیست‌ها تلقی نشود، تا آنها نیز اجازه تداوم فعالیت به آن بدهد.

پس از انتخابات سال ۲۰۰۲ که این حزب در قدرت قرار گرفت، گفتمان اخوانی سکولار آن قدرت بسیاری به دست آورد و سپس با موفقیت‌های اقتصادی اردوغان و سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و همکاری جویانه با غرب، در میان غیراسلامی‌گرایان جامعه ترکیه نیز مقبولیت پیدا کرد و بنابراین در هر انتخابات توانست پیروزی بیشتری به دست آورد. به این ترتیب، این گفتمان در ترکیه به گفتمان هژمون تبدیل شد، اما به نظر می‌رسد با شکست‌های جدید که در انتخابات خورده است و با ایجاد شکاف در حزب، احتمال اینکه این گفتمان هژمونی خود را در جامعه ترکیه از دست برود در میان مدت وجود دارد.

۴-۵-۳- سلفی-تکفیری

در گفتمان سلفی-تکفیری، دال مرکزی که باید هژمونی بر کل جامعه اسلامی پیدا کند، خلافت است. در دید آنها، خلافت، یگانه نهادی بوده که پس از رحلت پیامبر^(ص) در جامعه اسلامی که اکثریت آنان را سنی‌مذهبان تشکیل می‌دهند، شکل یافته و دیگر نهادهای قدرت بر گرد آن شکل گرفته بود. آخرین سلسله‌ای که خلافت در آن تداوم پیدا کرد، امپراتوری عثمانی بود که خلافت آن در نهایت در سال ۱۹۲۳ به پایان رسید. تلاش‌های بعدی برای ایجاد خلافت با توجه به هژمونی گفتمان ملی‌گرایی غربی در میان اعراب، منجر به پدید آمدن خلافت نشد. اما در گفتمان سلفی-تکفیری، هژمونی اصلی با ایجاد خلافت برای امت اسلامی است. بنابراین، تلاش‌هایی در قرون معاصر، برای برپایی خلافت انجام شد که شکل عملی خود را در گفتمان سلفی-تکفیری در میان طالبان در افغانستان و نیز در داعش با شخصیتی همچون البغدادی می‌توان دید. اصرار بر خلافت در میان داعش، نسبت به طالبان، بسیار پررنگ‌تر بود.

منظور از ایجاد دال مرکزی خلافت در گفتمان سلفی-تکفیری آن است که قدرت در این مرکز متمرکز شود و از طریق آن توزیع گردد. این قدرت از نظر گفتمان سلفی-تکفیری دارای مشروعیت است، چرا که مقام برجای مانده از دوران صدر اسلام بوده و از جمله سنت شمرده می‌شود. در این میان، بیعت با خلیفه حتی اگر توسط یک فرد باشد، اما این فرد از شوکت لازم برخوردار باشد، نیز قابل قبول است^(۱) (قادری، ۱۳۹۲: ۲۵ و ۲۲). آنچه خلیفه باید از طریق مقام خلافت و توزیع قدرت توسط آن انجام دهد، هژمون کردن ارزش‌های اسلامی و اجرای احکام اسلام در میان امت اسلامی است. همچنین وظیفه جهاد در برابر غیرمسلمانان از جمله وظایف خلیفه است، در واقع هم غیرمسلمانان و هم مسلمانانی که به گونه‌ای سلفی-تکفیری‌ها از اسلام بیان می‌دارند، نمی‌اندیشند، تکفیر شده از اسلام خارجند و خون آنان حرام است. به این ترتیب گفتمان سلفی-تکفیری، مجاز است تا علیه دارالکفر اعلام جهاد نماید تا با بهره بردن از قدرت، خود را در میان امت اسلامی به گفتمان هژمون تبدیل کند.

^۱ - دولت اسلامی عراق و شام، به عربی: الدولة الإسلامية فی العراق و الشام

۶-۴- مقایسه اسطوره و استعاره در سه گفتمان رقیب

۶-۴-۱- انقلاب اسلامی

در نظریه گفتمان مبحثی با عنوان اسطوره و استعاره وجود دارد. اسطوره امت اسلامی، یکی از مهم‌ترین وقته‌های گفتمان انقلاب اسلامی است. امت اسلامی در این گفتمان، به دال ام‌القرای اسلامی مفصل‌بندی شده است و منظور از ام‌القراء ایران انقلابی است که اسلام ناب محمدی را بر اساس آموزه‌های شیعی نمایندگی می‌کند. امتی که باید بر گرد رهبری این انقلاب، فراهم آیند. گفتمان انقلاب اسلامی، همچون دیگر گفتمان‌های برآمده از اسلام سیاسی، «عقب‌ماندگی سیاسی مسلمانان را زاییده استعمار جدید غرب می‌داند و به این وسیله با دست گذاشتن بر حساسیت‌های امت اسلامی، می‌خواهد به عقب‌ماندگی مسلمانان پاسخ گوید» (علی‌پورگرچی، ۱۳۹۳: ۶۶). گفتمان انقلاب اسلامی این اسطوره را بر اساس آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۰) و آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۹۲) به مثابه یک دال شناور، به دال مرکزی خود مفصل‌بندی کرده است. در قانون اساسی با اشاره به این آیه در اصل یازده آمده است: «همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (منصور، ۱۳۹۶: ۱۰). گفتمان انقلاب اسلامی هم در قانون اساسی خود بر امت تأکید کرده و آن را تبدیل به استعاره‌ای از مردمانی کرده که باید همه قوای خود را فراهم آورند تا در برابر مستکبران بایستند که این امر اسطوره‌ای دیگر را در گفتمان انقلاب اسلامی پدید می‌آورد که عنوان آن را می‌توان اسطوره مقاومت اسلامی نام نهاد و این اسطوره به اسطوره مستکبران مفصل‌بندی شده است که استعاره آن شیطان بزرگ و رهبری آن بر جهان، یعنی نظام سلطه است که پس از پایان نظام دوقطبی، به نظم جهانی مورد نظر آمریکا اطلاق می‌شود.

۶-۴-۲- اخوانی سکولار

یکی از اسطوره‌ها در گفتمان اخوانی سکولار ترکیه، دوران خلافت عثمانی است که حزب عدالت و توسعه به عنوان بسط‌دهنده این گفتمان، تلاش می‌کند الگوی حکومتی خود را به عنوان استعاره‌ای از خلافت دوران عثمانی بازسازی کند. اینکه در پرتو خلافت عثمانی خاورمیانه دورانی طولانی از ثبات را به خود دیده بود و به علاوه اینکه مسلمانان با وجود این خلافت توانسته بودند تا هم روم شرقی را از میان ببرند و هم توانسته بودند تا دروازه‌های وین پیش‌روی کنند، به ایجاد این اسطوره کمک شایانی می‌کند. همچون دوره عثمانی که در این امپراتوری همه اقوام، ادیان و مذاهب در حال زیستن مسالمت‌آمیز بودند، گفتمان اخوانی سکولار در حال تلاش است تا اسطوره همزیستی مسالمت‌آمیز را میان سنت اسلامی و مدرنیته فراهم آورد. در حقیقت تلاش گفتمان اخوانی سکولار حزب عدالت و توسعه بر این است که اسلام را نظام ارزشی عادلانه نشان

دهد و هم از دستاوردهای مدرنیته برای توسعه استفاده کند. در حقیقت ارائه الگوی اسلام‌میانه‌رو یکی از اسطوره‌های گفتمانی حزب عدالت و توسعه در ترکیه به شمار می‌رود. از سوی دیگر، «این گفتمان تلاش می‌کند با ارائه چنین الگویی از حکومت، در یک تعادل، آشتی میان اسلام و دموکراسی در جهان سنی پدید آورد. بنابراین با بنیادگرایی اسلامی در ظاهر میانه‌ای ندارد و در برابر میانه‌روی و اعتدال‌گرایی اسلامی را ترویج می‌کند از سوی دیگر نیز کمالیسم در ترکیه را که لائسیسته و ضدیت با دین را رواج می‌دهد رها کرده و سکولاریسم که بر جدایی دین از سیاست تکیه می‌کند را سرحوله عمل ساخته است، با این حال، رهبران این حزب تلاش می‌کنند تا در رفتار شخصی و اجتماعی خود، سلوک اسلامی را به جای آورند» (موتقی و نوروزی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۷۶۹). به این ترتیب، همه این تعادل‌های استعاره‌ای به عنوان الگوی حکومتی، اسلام میانه‌رو را پدید آورده است.

۴-۶-۳- سلفی-تکفیری

صدر اسلام، عصر طلایی اسلام و اسطوره سیاسی برای همه گفتمان‌های اسلام سیاسی، به ویژه گفتمان سلفی-تکفیری است. صدر اسلام، استعاره از جامعه‌ای پاک است که در آن، نه تنها ارزش‌های اسلامی رواج داشت، بلکه احکام اسلام نیز توسط حکومت اسلامی که پیامبر (ص) و پس از ایشان خلفای راشدین، به اجرا در می‌آمد. گفتمان سلفی-تکفیری، از بازگشت به گذشته طلایی سخن می‌گوید. بنابراین، معتقدان به گفتمان سلفی-تکفیری، در اعمال و اعتقادات خود سعی بر تابعیت از پیامبر، صحابه و تابعین دارند. به علاوه اینکه یک برداشت غیرمنعطف و غیرتفسیری از قرآن دارند. اسطوره مهم دیگر گفتمان سلفی-تکفیری جاهلیت است که ناظر بر وضعیت پیشااسلام در سرزمین عربستان است که در آن کفار با اسلام به مخالفت برخاسته بودند تا آن را از میان ببرند، اما اسلام با قدرت معنوی خود و به یمن ایثار و شهادت مسلمانان اولیه در این زمان به پیروزی رسید.

سیدقطب، در یکی از مهم‌ترین آثار خود، برای تسری این وقته، غرب را زیر عنوان جاهلیت برده و همه جوامعی که از غرب پیروی می‌کنند، را با همین وقته توصیف می‌نماید. این اثر، «جاهلیت قرن بیستم» نام دارد. «وی این وضعیت را جاهلیت نوین می‌نامد و فساد را در همه چیز می‌بیند. از جمله فساد در تصور، فساد در سلوک، فساد در سیاست، فساد در اقتصاد، فساد در اجتماع، فساد در اخلاق، فساد در روابط جنسی، فساد در هنر» (قطب، ۱۳۵۹: ۲-۱). راه حل سیدقطب برای مقابله با این وضعیت، جدا شدن عده‌ای از جامعه، یعنی تکفیر جامعه، پرورش و تزکیه نفسانی از طریق اسلام راستین، بازگشت به جامعه برای جهاد و اجرای احکام اسلامی در آن است. آنچنان که پیامبر (ص) با جامعه کفار مکه کردند، یعنی هجرت به مدینه، پرورش مسلمانان راستین و سپس جهاد با کفار و فتح مکه. رواج این گفتمان در میان جوانان تندرو اخوان‌المسلمین

در مصر چنان بود که گروهی به رهبری شکری مصطفی، «التکفیره و الهجره»^۱ نامیده شد و بنیادگرایی تکفیری پرداخت. «بنیادگرایی نظیر جنبش شکری، پاسخی طبیعی به سیاست جداسازی دین از سیاست نخبگان حاکم در جهان مسلمان بوده است. بنیادگرایان اسلامی، نظیر شکری و پیروان او در صدد آنند که قدرت دولت مدرن را در دست‌های بهترین و شایسته‌ترین مسلمانان قرار دهند. شکری مصطفی، به دلیل برداشت خاص نسبت به آموزه‌های دینی، هرگز پیروانی از توده مردم نیافت و التفکیر و الهجره به جای اینکه یک جنبش احیای واقعی باشد بیانگر یک فرقه بود» (یانسن، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶). این وضعیت را امروز می‌توان در مورد القاعده و داعش نیز مورد توجه قرار داد، در حقیقت اکثریت مسلمانان، دیدگاه مثبتی به این گروه‌ها نداشته و اقدامات آنها را تروریستی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در مقایسه تطبیقی- تحلیلی گفتمان‌های سه‌گانه انقلاب اسلامی، اسلام‌میان‌رو (اخوانی سکولار) و سلفی-تکفیری که به ترتیب توسط جمهوری اسلامی ایران، جمهوری ترکیه و پادشاهی عربستان سعودی هدایت می‌شود، از روش تحلیل گفتمانی و روش مقایسه‌ای استفاده شده است. در کل آنچه می‌توان در مورد شباهت‌های این سه گفتمان گفت آن است که هر سه این گفتمان‌ها از دین اسلام به عنوان یک سرچشمه فکری سنتی بهره می‌گیرند و به این ترتیب باید همه آنها را با تمام نوآوری‌هایی که داشته‌اند، در کلیت به عنوان گفتمان‌های برآمده از جهان سنتی مورد شناسایی قرار داد. همچنین هر سه این گفتمان‌ها تلاش دارند در رقابت با یکدیگر به هژمون در منطقه خاورمیانه تبدیل شوند و منافع کشورهای حامی خود را در نفوذ بیشتر در خاورمیانه تأمین نمایند، البته این امر، یعنی رقابت و تلاش برای هژمون شدن، در ذات هر گفتمان قرار دارد. اما از منظر تفاوت‌ها، آنها بر اساس برداشت‌های مختلف مذهبی از اسلام و تجربه تاریخی، سیاسی و اجتماعی کشورهای حامی خود پدید آمده‌اند که حوزه‌های گفتمان‌گونگی آنها را تشکیل می‌دهد. به این معنا، در ایران که بیشتر مردم آن شیعه هستند، گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس دال‌های شناور برآمده از مذهب شیعه مفصل‌بندی شده است. در ترکیه و عربستان اما، گفتمان‌های اسلام‌میان‌رو و سلفی-تکفیری، بر اساس دال‌های شناور برآمده از مذهب سنی پدید آمده است، با این تفاوت که در مورد نخست، دال‌های شناور بر اساس برداشت‌های اخوانی و میان‌روانه از اسلام سنی عرفی اکثریت مسلمانان سنی به وجود آمده است و در مورد دوم، دال‌های شناور بر اساس برداشت‌های وهابی از اسلام سنی به وجود آمده‌اند که در

^۱ - التکفیره و الهجره به رهبری شکری مصطفی از جمله اولین گروه‌های سلفی-تکفیری تندرو بود که به جهاد علیه جامعه مصر برخاست.

منطقه نجد و پیرامون آن به سر می‌برند. همچنین از منظر تفاوت‌ها، این گفتمان‌ها بر گرد دال‌های مرکزی متفاوتی، دال‌های شناور خود را پس از مفصل‌بندی، به وقته تبدیل کرده‌اند. دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، دال مرکزی گفتمان اخوانی سکولار اعتدال‌گرایی اسلامی و دال مرکزی گفتمان سلفی-تکفیری خلیفه است، به این ترتیب، گفتمان اسلام‌میان‌رو در این زمینه نوآوری بیشتری داشته، سپس در این مورد گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد که فقیه را به عنوان حاکم شناسانده است و در نهایت گفتمان سلفی-تکفیری بسیار سنت‌مدار بوده و در پی احیای دوباره خلافت از سنت است. تفاوت‌هایی که برخاسته از حوزه گفتمان‌گونگی اجتماعی، تاریخی و سیاسی این کشورها است، دال‌های شناوری که مفصل‌بندی کرده و به وقته تبدیل نموده است بر اساس تجربه‌های آنها در این حوزه‌ها بوده است. گفتمان انقلاب اسلامی که با تجربه استعمار غیرمستقیم ایران در طول قرون هجدهم تا بیستم، روبه‌رو بوده است، به شدت ضدغربگرایی یا به عبارتی استکبار است. گفتمان اسلام‌میان‌رو بر اساس تجربه عثمانی در تساهل دینی و قومی با مردمان سرزمین‌های مختلف امپراتوری عثمانی و نوگرایی اخوانی در روی خوش نشان دادن به فرآورده‌های غربی مفید، همچنان اهل تساهل و مدارای بیشتری نسبت به دو گفتمان دیگر است و در نهایت گفتمان سلفی-تکفیری با توجه به آنکه از تجربه سرزمین اصلی وحی برمی‌خیزد، به سنت‌گرایی صرف و اعمال سلف صالح مطابق برادشت‌های خود، باور دارد و به ویژه به علت تحت استعمار عثمانی بودن به مدت طولانی و تجربه استعمار غرب در قرن بیستم و باور به اینکه پایان خلافت موجب و هجوم غرب موجب زوال جوامع اسلامی شده است، در پی احیای خلافت و بازگشت کامل به همه سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی، بدون توجه به تغییرات زمانی است. به این ترتیب می‌تواند گفت فرضیه مقاله به درستی آزمون شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- اسماعیلی، محمد (۱۳۷۹)، «نشانه‌های گفتمان اسلامی جدید»، *ماهنامه نگاه حوزه*، شماره ۴، صص ۲۸-۲۷.
- بردبار، احمدرضا (۱۳۹۵)، «بازیابی شاخص‌های نهضت اسلامی ایران با تأکید بر جنبش‌های سیاسی کنونی جهان اسلام»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۶، شماره ۳، پاییز، صص ۱-۲۳.
- بصیری، محمدعلی و محسن باقری (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان و گفتمان سلفی تکفیری»، *فصلنامه روابط فرهنگی*، سال ۱، شماره ۱، پاییز، صص ۸۷-۱۱۳.
- پورپزشک، امیر (۱۳۹۰)، «گفتمان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، *مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، شماره ۱، شهریور، صص ۷۶-۷۴.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- جهان‌بزرگی، احمد، مرتضی نبوی و محمدعلی غلامی (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمانی نظریه انقلاب اسلامی»، *دوماهنامه زمانه*، شماره‌های ۸۴ و ۸۵، شهریور و مهر، صص ۱۵-۴.
- جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۷)، «تفوق گفتمانی انقلاب اسلامی بر الگوی توسعه غربی (در دیدار دانشگاهیان با رهبر معظم انقلاب اسلامی)»، *خبرگزاری فارس*، ۲۱ خرداد، در: <http://www.fna.ir/bmo8el>
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸، زمستان، صص ۲۱۲-۱۸۱.
- حقیقت، صادق و سیدمحمدعلی حسینی‌زاده (۱۳۹۴)، «گفتمان»، در: عباس منوچهری، *رهیافت‌ها و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۲)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت، چاپ پنجم.
- زریاب‌خویی، عباس (۱۳۸۷)، «مدخل ابن تیمیه»، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۳، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸، زمستان، صص ۱۸۰-۱۵۳.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۱)، «اسلام سیاسی و آینده»، *ماهنامه بازتاب اندیشه*، شماره ۳۱، مهر، صص ۶۵-۶۴.
- شاهسوند بغدادی، پریچهره، حامد عمویی و الهام حسین‌خانی (۱۳۹۶)، «مقایسه اندیشه‌های سیاسی شیخ فضل‌الله نوری و امام خمینی^(ره) درباره حکومت در زمینه‌های مبانی فقهی، حدود اختیارات، نقش روحانیت، مشروعیت، مصلحت و قانونگذاری»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی همدان*، سال ۷، شماره ۳۳، تابستان، صص ۸۰-۵۹.
- شیرودی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۸)، «مواجهه گفتمان مقاومت (شیعی) و گفتمان سلفی - اخوانی بر تریببات امنیتی سنتی غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۴۸، زمستان، صص ۶۴-۴۳.
- علی‌پورگرگی، محمود (۱۳۹۳)، «گفتمان اسلامی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۷، تابستان، صص ۷۸-۶۱.
- علی‌یاری، حسن (۱۳۹۴)، «نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل‌گیری اندیشه سلفی»، *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال ۴، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۴)، «درآمدی بر دو رویکرد متفاوت اسلام فرهنگی، مدنی و سلفی

رقبای کنونی گفتمان انقلاب»، *پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه*، ۲۷ بهمن، در:

<https://www.hawzah.net/fa/Article/View/94614/>

- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۷)، «گفتمان انقلاب اسلامی و مدلولات تئوریک آن»، *شبکه اجتهاد*،

۲۲ بهمن، در: گفتمان-انقلاب-اسلامی-و-مدلولات-تئوریک-آن <http://www.ijtihadnet.ir/>

- قادری، حاتم (۱۳۹۲)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت، چاپ سیزدهم.

- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، «ژئوپولیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، شماره ۳۸، بهار، ۳۳-۵.

- قطب، محمد (۱۳۵۹)، *جاهلیت قرن بیستم*، ترجمه علی محمد عابدی، تهران: جاما.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت، چاپ هشتم.

- لوهلکر، رودیگر (۱۳۹۷)، *سلفی‌ها (طغیان مذهب‌یون عربستان سعودی و اسلام)*، ترجمه علی عبداللهی و لیلا قنبریان، تهران: نشر کوله‌پشتی.

- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۴)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.

- محسنی، مرتضی و علی ابوالحسنی و صدیقه تقوی سیاه‌رود کلایی (۱۳۹۵)، «تصویر شناسی «بیگانه» در شاهنامه با تکیه بر کلیشه‌پردازی»، *دوفصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۱، بهار، صص ۱۴۷-۱۲۳.

- منصور، جهانگیر (۱۳۹۶)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دیدآور، چاپ صدویستم.

- موثقی، احمد و جعفر نوروزی‌نژاد (۱۳۹۵)، «دگردیسی در فرهنگ سیاسی ترکیه و غلبه گفتمان اسلام‌گرایی میانه‌رو»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۳۹، پاییز، صص ۷۷۷-۷۶۱.

- موثقی‌گیلانی، احمد و هومن نیری (۱۳۸۹)، «اسلام میانه‌رو و دموکراسی در ترکیه»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵، زمستان، صص ۶۳-۳۳.

- موفه، شانتال (۱۳۸۲)، «لیبرالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی کثرت‌گرا»، ترجمه م. برومند، *نشریه فرهنگ و توسعه*، شماره ۴۸، فروردین، صص ۸۶-۸۳.

- ناظمی‌تردکانی، مهدی و صفرعلی خالدیان (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۶، تابستان، صص ۸۶-۵۹.

- ولی‌زاده میدانی، رامین (۱۳۹۶)، *جمهوری سوم ترکیه*، تهران: رواق اندیشه.

- ولی‌زاده‌میدانی، رامین و علی دلخون‌قرامکی (۱۳۹۶)، *کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه*، قم:

معارف معنوی.

- یانسن، یوهانس جی. جی. (۱۳۸۸)، «جماعه؛ تکفیره و الهجره»، در: *دائرةالمعارف جهان نوین اسلام*، به کوشش جان ال. اسپوزیتو، ترجمه و تحقیق حسن طارمی، محمددشتی و مهدی دشتی،

تهران: نشر کنگره.

- De-Vows (2003), "Discourse Theory and the Study of Ideological Trance-formation: Analyzing Social Democratic Revisionism", *Journal of Pragmatics*, Vol. 7, No. 3, pp. 159-1۷۲.
- Gumrukcu, Tuvan (2020), "Turkey's Erdogan says main opposition should be probed for Gulen links", *Reuters*, 19 February, at: <https://www.reuters.com/article/us-turkey-politics-erdogan/turkeys-erdogan-says-main-opposition-should-be-probed-for-gulen-links-idUSKBN20D1OR>
- Jorgensen, M and L. Philips (2002), *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage Publications.
- Koolae, Elahe and Mohammad Hosein Hafezian (2017), "The Kurdish Question and Iranian-Turkish Relations: 1991-2015", *International Studies Journal*, Vol.14, No.2, Fall, pp.67-90.

